

شیرینی مهمانی خدا را بچشیم-۶

پناهیان: سه تفاوت مهمانی رمضان با مهمانی‌های دیگر/فلسفهٔ مهمانی اجباری چیست؟

«مهمانی اجباری ترکیبی از محبت و عظمت خداوند متعال است که نسبت به بندگان خود روا داشته است. خدا به قدر کافی به ما آزادی و اختیار برای خوب شدن داده است و ما هم به اندازهٔ کافی خراب کرده‌ایم، که دیگر وقت آن شده باشد بپذیریم خدا ما را قدمی به سوی خود بکشاند، و البته کمی بعد دوباره رها می‌کند.»

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت الاسلام پناهیان که انتشارات «بیان معنوی» چاپ هشتم آن را روانهٔ بازار نشر کرده است، حاوی نکات و نگاهی نو و کاربردی برای بهره‌برداری بهتر از ماه مبارک رمضان است که با بیانی ساده و روان به رشتهٔ تحریر درآمده است. به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان با برگزیده‌ای از این کتاب به استقبال روزها و شب‌های قشنگ ماه مبارک رمضان می‌رویم. بخش ششم از این گزیده‌ها را در ادامه می‌خوانید:

تفاوت‌های مهمانی رمضان، با مهمانی‌های دیگر

اگرچه در تشبیه لازم نیست دو طرف تشبیه تماماً عین هم باشند و می‌توان از کنار تفاوت‌ها عبور کرد، ولی بیابید به تفاوت‌هایی که رمضان با نوع مهمانی‌های ما دارد توجه کنیم و از تفاوت‌های این تشبیه هم سود ببریم. اساساً گاهی از اوقات امری را به چیزی تشبیه می‌کنند تا از توجه به تفاوت آن سود ببرند و حرف‌های اصلی خود را به اشاره در بخش تفاوت‌ها بیان کنند. شاید این اتفاق اینجا هم افتاده باشد.

۱. مهمانی اجباری

حداقل سه تفاوت اساسی بین رمضان و مهمانی‌های رایجی که ما می‌شناسیم وجود دارد. رمضان در کنار آن همه لطف و صفا، یک مهمانی اجباری است نه اختیاری. اما مگر مهمانی هم اجباری می‌شود؟ شما در بستر و گذر زمان به ناچار در این مهمانی وارد خواهید شد. و این اجبار تکوینی همه را در برمی‌گیرد. این تفاوت اول.

۲. کارهای اجباری برای مهمان

به اضافه اینکه در این ضیافت، میزبان با واجب کردن صیام و امر کردن به روزه، مهمانان خود را به نوعی اجبار تشریحی نیز وادار می‌نماید، در حالی که عادتاً مرسوم نیست مهمان را به کاری مجبور کنند؛ و این تفاوت دوم.

۳. سختی دادن به مهمان

و تفاوت سوم آنکه با وجوب روزه، که گرسنگی خوردن است و تشنگی کشیدن، مهمانی در سختی‌های خاصی شکل می‌گیرد که معمول نیست.

خدایا! اگر مهمانی داده‌ای، پس دیگر چرا حضور در این مهمانی پرمهر را قهری و الزامی کرده‌ای؟ می‌گذاشتی هرکس خواست بیاید. مانند آنچه در احرام حج و اعتکاف در مسجد است. هیچ‌کس نمی‌تواند به این مهمانی وارد نشود. چون این مهمانی در ظرف زمان است، خواه ناخواه

به این ظرف زمانی مبارک وارد می‌شویم؛ چه از آن بهره ببریم و چه از آن غافل باشیم. مانند اعتکاف و حج نیست که شرکت کردن در آن، اراده بخواید و به میل افراد بستگی داشته باشد.

فلسفهٔ مهمانی اجباری

پاسخ به سؤال دربارهٔ تفاوت اول روشن است. گاهی یک رفیقی که خیلی دوست دارد آدم را مهمان کند، انگار می‌خواهد انسان را مجبور کند و اختیار را از انسان سلب کند و او را به زور به مهمانی ببرد. به او می‌گوید: «فردا مهمان من هستی، اما و اگر هم ندارد! فلان ساعت هم آماده باش، خودم با ماشین می‌آیم دنبالت، خداحافظ!» و اگر خیلی بیشتر هم او را دوست داشته باشد، می‌گوید: «اگه نیای می‌کشم.»

۱. شدت علاقه خدا به مهمان کردن بندهاش

در واقع خدا هم می‌فرماید: ای انسان! چه بخواهی و چه نخواهی، چه بیدار باشی و چه خواب، ماه رمضان، «ضیافت» من می‌آید و با برکت و رحمتِ خودش تو را فرا می‌گیرد و مجبور هستی در ضیافت و مهمانی من شرکت کنی. این اجبار تکوینی خدا، از شدت علاقه‌اش به مهمان کردن بندگان است. اینقدر علاقه داشته بندگان را مهمان کند، که حضور در مهمانی را بر همه ضروری کرده است، و مهلت تصمیم‌گیری هم به ایشان نداده است.

خدایی که همیشه منتظر می‌شد تا ما خود به سوی او برویم، دیگر در این ماه منتظر اراده و اقدام بنده‌های خودش نشده و با وجوب تکوینی رمضان، انگار ناز خودش را کم کرده و دست همه را گرفته و بر سر سفرهٔ رحمتش آورده است.

البته بزرگی کرده است و بزرگان با کوچک‌ترها از این‌گونه رفتارها بسیار دارند. درست است که ما در دنیای معاصر، رابطهٔ بزرگتر با کوچکتر را کمتر دیده‌ایم و یا اگر شنیده‌ایم به دلیل آنکه ما آدم‌ها چون با هم مساوی هستیم، این‌گونه رابطه‌ها از سر ظلم و تعدی بوده است و به دلمان ننشسته است، اما از بزرگ‌ترها نه‌تنها چنین رفتارهایی برای محبت کردن به کوچک‌ترها، شور نیست بلکه بسیار شیرین هم هست.

۲. مهمانی اجباری، ترکیبی از محبت و عظمت خدا

مهمانی اجباری ترکیبی از محبت و عظمت خداوند متعال است که نسبت به بندگان خود روا داشته است. خدا به قدر کافی به ما آزادی و اختیار برای خوب شدن داده است و ما هم به اندازهٔ کافی خراب کرده‌ایم، که دیگر وقت آن شده باشد بپذیریم خدا ما را قدمی به سوی خود بکشاند، و البته کمی بعد دوباره رها می‌کند.

اگر کسی فکر می‌کند این مهمانی اگر اختیاری بود بهتر می‌بود؛ هنگام وداع با رمضان بیاید و جلوی اشک و آه روزه‌داران و مهمانان اجباری خدا را بگیرد. با این همه تشکر مهمانان از میزبان چه خواهد کرد؟

این‌طور نیست که همه جا اجبار زیبا و زینده نباشد. در زندگی ما آدم‌ها هم گاهی در اوج محبت، اجبار زیباست. از این‌گونه رفتارها در ارتباط بین مادران و کودکان بسیار می‌شود دید.

۳. شیرینی اجبار

البته اگر بخواهیم دقیق‌تر به پاسخ پردازیم باید به حقیقت رابطهٔ مولا و عبد نگاه کنیم و ببینیم آنچه از مولا برای عبد بسیار دلنشین است، چیست؟ آیا یک عبد از مولای خود همان انتظاری را دارد که از دوست خود دارد؟ هرچند مولا او را هم بسیار دوست داشته باشد. گفته‌اند از شیر حمله خوش بود، از غزال رم، نباید خوب و با محبت رفتار کردن را همه‌جا یکسان ببینیم و بخواهیم.

البته دربارهٔ چنین موضوعی باید در مجال دیگری مفصل به گفتگو نشست و به تبیین حقیقت رابطهٔ عبد و مولا پرداخت. آنچه از مولا برآزنده است، امر است و جبر، و آنچه برای عبد زبیده است بی‌خودی و بی‌اختیاری است. مولا وقتی با عبد خود مشورت نمی‌کند و او را مختار نمی‌گذارد و با او آمرانه سه امر تکوینی یا تشریحی- برخوردار می‌کند، ولایت و سرپرستی خود را تجلی داده است. و برای عبد چه لحظه‌ای ناب‌تر از رؤیت تجلی این ولایت؟ حتی آن لحظه‌هایی که مولا عبد را از اسارت اوامر تکوینی و تشریحی خود آزاد می‌گذارد، عبد، آن لحظات را به عشق رسیدن به لحظه‌های اسارت، بردباری و تحمل می‌کند.

تازه یک عبد، سعی می‌کند تمام فرصت‌های اختیاری خود را هم به اجبار مولایش تشبیه یابد. و به همین دلیل این قدر اهل اطاعت است و معصیت نمی‌کند، و مدام به دنبال تشخیص تکلیف است. آنان که مزهٔ اطاعت را چشیده‌اند، شیرینی همهٔ این مطالب را در وجود خود دیده‌اند.

پاسخ به «سؤال از تفاوت دوم و سوم»

پاسخ به سؤال از تفاوت دوم و سوم هم، به این جواب ملحق می‌شود. وجوب روزه یک امر تشریحی است که باز هم تجلی‌ی خدایی کردن خداست. اگر چه در ضرورت‌های تکوینی ما بی‌اختیارتریم و امکان تمرد تنها در اوامر تشریحی وجود دارد، ولی به دلیل همین قربانت که می‌بینید، امر واجب از اوامر مستحبی بسیار بافضیلت‌تر و دلنشین‌تر است. و الا شما می‌توانید تمام سال را روزه بگیرید، اما چرا صفای رمضان را ندارد؟

در واقع خدا به امر واجب تکوینی و تشریحی رمضان و روزه، ما را مهمان کرده است و از ما با الوهیت خود پذیرایی می‌کند. چه ضیافتی از این بالاتر؟ و برای آنکه معلوم شود این یک ضیافت خدایی است برای بندگانی که از او همین را می‌خواهند، امر به روزه کرده است تا در این امر خود، خلاف طبع و نیاز عادی انسان‌ها فرمان داده باشد، و نمایش رابطهٔ عبد و مولا، که حقیقت این ضیافت است، به‌خوبی انجام پذیرد. اینجا دیگر به فواید روزه و آثار آن نمی‌پردازیم و در جای خود باید بحث بشود که «این امر به روزه‌داری»، دارای چه حسن ذاتی‌ای است و این گرسنگی چقدر طبع انسان را لطیف و آمادهٔ بهره‌برداری از ضیافت معنوی رمضان می‌نماید؟ و چرا اساساً خورد و خوراک فراوان با تعالی معنوی منافات دارد؟

مهمانی عمومی اجباری، مقدمهٔ مهمانی خصوصی اجباری

البته از وجوب تکوینی رمضان تا وجوب تشریحی روزه و گرسنگی کشیدن‌ها، همه، مقدمات یک مهمانی و ضیافت عرفانی هستند، که هر کسی را به آن راه نمی‌دهند و برای رسیدن به آن باید خون جگرهای فراوان خورد. و اگر بخواهیم بهتر بگوییم هر کسی به آن راه نمی‌یابد. هر چقدر حضور در این بار عام، ابتدائاً اجباری و سهل است، حضور در آن بار خاص، اجباری و سخت است. و خوبان عالم برای راه‌یابی به آن بارگاه عظیم تمناها و تضرع‌های فراوان دارند.

